

مقدمه

موضوع «مهندسی فرهنگی» از موضوعات مهم، گسترده و پیچیده و مبتلا به کلیه کشورهای، به ویژه کشورهای دارای فرهنگ و تمدن بومی است. به تناسب مخاطبان مجله، با همراهی این مخاطبان ارجمند و آینده ساز دریچه ای به موضوع خواهیم گشود و می کوشیم ساده، خلاصه، ملموس و در عین حال مستند و جامع به موضوع پردازیم.

برای گریز از توقف در اصطلاحات، به ارائه ی تعریف حداقلی از آن ها اکتفا می کنیم و شرح بیشتر آن ها را به نگاشته های دیگر ارجاع می دهیم؛ اصطلاحاتی مثل: فرهنگ، مهندسی فرهنگی و نیز چستی ابعاد جامعه و ابعاد مهندسی فرهنگی جامعه، قلمرو کارآمدی دین و نسبت دین و فرهنگ.

آموزه های دینی در

۱ تعاریف

● فرهنگ: آن چه عموم مردم پذیرفته اند و پس از پذیرش، به هنجار تبدیل شده و تخلف از آن تحقیرآمیز است؛ مثل «قانون گریزی» در جامعه ای که «قانون گرایی» به فرهنگ تبدیل شده است. موضوع مورد پذیرش نیز تنوع بسیار گسترده ای دارد [پروزمند، ۱۳۸۴: ۸۵-۶۹].

● مهندسی فرهنگی جامعه: ایجاد توازن و تناسب بین تمامی تصمیم گیری ها، عزل و نصب ها، تخصیص بودجه ها، ارتباطات، تبلیغات و... به محوریت فرهنگ؛ ایجاد هندسه ی مناسب بین این امور با محاسبه تأثیر فرهنگی هر یک [پروزمند، ۱۳۸۵: ۲۸-۱۸؛ ارژمند، بی تا، ج ۱: ۱۶۱].

● ابعاد جامعه: مهندسی فرهنگی در

جامعه واقع می شود و فرهنگ یکی از ابعاد جامعه است. لذا باید سایر ابعاد جامعه و تأثیر و تأثر فرهنگ با آن ها را نیز در مهندسی فرهنگی در نظر داشت. جامعه بنابر «نظریه ی مختار» از سه بعد سیاست، فرهنگ و اقتصاد تشکیل شده است و بنا بر نظریه ی رایج تر - که ریشه در نظر پارسونز دارد - از چهار بُعد سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع شکل گرفته است [نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۹].

سیاست: عمدتاً به مقوله ی قدرت در جامعه می پردازد.

فرهنگ: پذیرش های هنجار یافته ی اجتماعی است.

اقتصاد: به توان فزایی مادی جامعه مربوط است.

اجتماع: اموری است که در بستر جامعه شکل می گیرد، دارای تأثیرات

چندبُعدی است و صرفاً در یکی از موارد فوق نمی گنجد؛ مثل بهداشت و درمان [پروزمند، ۱۳۸۲: ۹۰-۸۷].

● ابعاد مهندسی فرهنگی جامعه: به دلیل تأثیر و تأثر متقابل فرهنگ با سایر ابعاد جامعه، ابعاد جامعه به قید فرهنگ، ابعاد مهندسی فرهنگی جامعه را نیز تشکیل می دهند که عبارت می شوند از: فرهنگ سیاست، فرهنگ فرهنگ، فرهنگ اقتصاد و فرهنگ اجتماع. تعریف اجمالی واژه های فوق را در متن مقاله ملاحظه خواهید کرد. اما مهم این است که توجه داشته باشیم، مهندسی فرهنگی ایران اسلامی یا هر کشور دیگری، و ایجاد هندسه ی مناسب در درون این چهار بُعد و به رابطه ی متقابل آن ها با یکدیگر بستگی دارد. جامعیت مهندسی فرهنگی نیز به این وابسته است که نگاه یکپارچه ای به این

گستره، انجام گیرد و جریان یک فرهنگ واحد در زوایای هر کدام رصد شود. به علاوه، تعارضات فرهنگی در هر بخش مورد توجه قرار گیرد و برای ایجاد توازن مناسب تدبیر شود.

بنابراین، چارچوب مقاله براساس چهار اصطلاح اخیر شکل خواهد گرفت. در نسبت بین دین و فرهنگ نظریه‌ی مورد

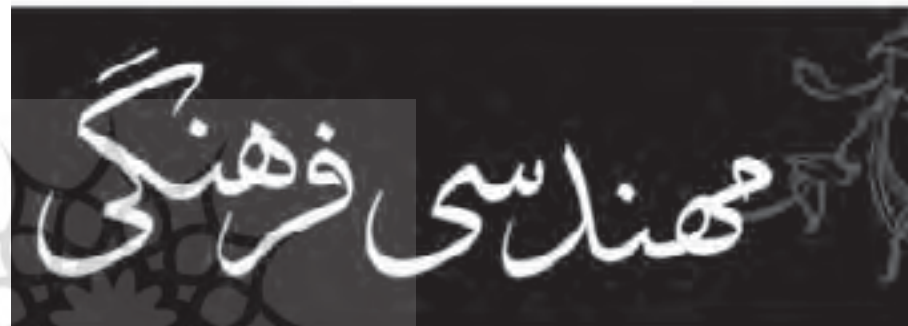
اسلام را در هر مورد، مستند به آیات یا روایات معصومین (ع)، متذکر می‌شویم. ۵. خوانندگان خود نتیجه‌گیری خواهند کرد که:

- آیا اگر به فرهنگ مذهب عمل می‌شد، شاهد این به هم ریختگی بودیم یا خیر؟

- مشابه این به هم ریختگی فرهنگی

دبورا می‌یرا^۱، کارشناس با سابقه‌ی حوزه‌ی آموزش عمومی و نویسنده‌ی چند اثر تحقیقاتی، در زمینه‌ی مسائل فرهنگی و آموزشی، در اجلاس سالانه‌ی «مؤسسه‌ی شوماخر»، دلایل استقبال مردم از مدرسه‌های کوچک و بومی را برشمرده است. در بخشی از این سخن‌رانی می‌گوید: «آن چه من می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم، به روابط انسانی بازمی‌گردد. می‌خواهم ادعا کنم که ما شاهد بحرانی در روابط انسانی خویش هستیم؛ بحرانی که در مدارس ما وجود دارد و به مراتب خطرناک‌تر از بحران‌های اقتصادی است. در حقیقت، مدارس ما ابعاد این بحران را وخیم‌تر کرده‌اند و با نادیده‌انگاری نیازهای اجتماعی، احساسی و فکری کودکان، فاجعه‌ای را در آینده‌ی جوامع ما ایجاد خواهند کرد.»

همان‌طور که آلفی کوهن، نویسنده‌ی کتاب‌های متعدد در حوزه‌ی رشد کودکان و نظام آموزشی معتقد است، ما اکثر آموخته‌های خود را فارغ از سیستم تشویق و تنبیه و امتحان دادن می‌آموزیم. چرا که به دلیل وجود انگیزه‌ی درونی، نیازی به این اعمال نداریم. او می‌نویسد: «رسانه‌های موجود در جوامع ما، اصولی را به فرزندانمان می‌آموزند که مخالف آموخته‌های آنان در مدارس و خانواده است. بدین ترتیب، احساس دوگانگی و تردید در مورد محقق بودن هر یک از دو طرف، در جامعه موج می‌زند. حتماً همه‌ی شما از سر به‌هوایی و فقدان تمرکز در میان دانش‌آموزان مدارس کشورمان آگاهید. یکی از دلایل این وضعیت به نقش تلویزیون در جامعه باز می‌گردد که باعث می‌شود، کودکان نتوانند بیش از ده



حجت‌الاسلام علی‌رضا پیروزمند

در ایران اسلامی چه قدر و چرا وجود دارد؟

- آیا هندسه‌ی یافتگی و در پی آن کمال یافتگی فرهنگی راهی جز تبعیت از آموزه‌های اسلام دارد؟

۲- تأثیر آموزه‌های دینی در مهندسی فرهنگ

امور فرهنگی که زیربنای فرهنگ را تشکیل می‌دهند و فرهنگ‌ساز هستند، یا به تعبیری اساس و جوهر فرهنگ را تشکیل می‌دهند و فرهنگ‌های پایین‌دستی مولود آن‌ها هستند، «فرهنگ فرهنگ» نام گرفته‌اند. از مسائلی هم‌چون میزان پای‌بندی به دین و شریعت، و وضعیت پژوهش، آموزش و پرورش و مسائل مرتبط با آن‌ها، جزو این دسته قرار می‌گیرند.

۱-۲. مهندسی فرهنگی نظام آموزشی

تأکید این است که دین، اساس و محور اصلی فرهنگ‌سازی است. [پیروزمند، ۱۳۸۶: ۹۱]. اما در مقاله‌ی حاضر، این نظریه را به شکلی موردی و مصداقی دنبال می‌کنیم. روش بررسی تأثیر آموزه‌های دین در مهندسی فرهنگی بدین گونه خواهد بود:

۱. نمونه‌های مهم مربوط به مهندسی فرهنگی را که در چهار سرفصل پیش گفتیم، تفکیک می‌کنیم.

۲. وضعیت این موضوعات را در شرایط معاصر در دنیای غرب، از زبان بعضی تحلیل‌گران، نویسندگان، استادان دانشگاه و محققان غرب و به‌ویژه آمریکایی مرور می‌کنیم.

۳. به هم ریختگی هندسه‌ی فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴. برخی آموزه‌ها و توصیه‌های دین



نیل پستمن، محقق شهیر آمریکایی نیز معتقد بود:
«مشکلی که من در نظام آموزشی کنونی مشاهده می‌کنم،
نبود خدای تعالی است. اکنون، تنها هدف حضور در
مدارس، به دست آوردن شغل بهتر است

که نظام آموزشی آن دیار مهندسی شده نیست. به این دلیل که از یک طرف، کارکرد غیر قابل انکاری در تأمین نسبی نیروی کار تخصصی در جامعه دارد و از طرف دیگر، دارای ضعف‌هایی جدی در آموختن آموزش زندگی است. نادیده‌انگاری نیازهای اجتماعی، احساسی و فکری دانش‌آموزان، فراگرفتن آموخته‌های مفید در بیرون نظام آموزشی، دوگانگی آموخته‌های مدرسه و آموخته‌های جامعه به ویژه رسانه، تمرکز نداشتن دانش‌آموزان، شباهت یافتن مدرسه به زندان، تضاد مفاهیم فراگرفته با تفکر، کار و عشق، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، فراموش یا کم‌رنگ شدن منفعت دانش‌آموزان و اصل شدن منفعت شرکت‌ها، حتی پاسخ‌گو نبودن به نیاز کار و صنعت به میزان لازم، همه و همه نشان از هندسه‌ی نامتوازن نظام آموزشی به عنوان بخشی فعال از مهندسی شدن فرهنگ جامعه دارند.

اگر معلم، شاگرد و مدرسه، با اتکا به فرهنگ اسلامی به تعلیم و تعلم بپردازند، بسیاری از نگرانی‌های فوق مرتفع می‌شوند. معلم با این باور و انگیزه آموزش دهد که علما وارثان انبیا هستند و بخشنده‌ترین مردم‌اند؛ چه این که پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «علما وارثان پیامبران‌اند، زیرا پیامبران دینار و درهمی به ارث نگذاردند، ولی ارث آن‌ها علم بود و هر که از آن برگرفت، بهره‌ی فراوانی برد.» و یا فرمودند: «بخشنده‌ترین شما بعد از من کسی است که دانش را بیاموزد و سپس دانش خود را تعلیم دهد» [اصول کافی، جلد ۱: ۹۷].

دانش‌آموزان ما باید بدانند، پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «هر که راهی رود که

می‌دهند تا بهترین فرمول‌های اقتصادی را کسب و سپس آن‌ها را در همه‌ی جوامع پیاده کنند.

... بی‌شک باید به بررسی این مسئله پردازیم که آیا خصوصی‌سازی در این مقیاس به بهبود اصول نظام آموزشی ما خواهد انجامید یا خیر؟ تجربه‌ی ایالات متحده بیانگر فاجعه‌آمیز بودن آن است. تاکنون شرایط در بریتانیا متغیر بوده است. اما واقعاً مسئله‌ی اساسی این نیست. چرا که در حال حاضر، مدارس ما نه برای منفعت کودکان که در راستای سودجویی شرکت‌ها و نیز خلق نوعی اقتصاد صادراتی که مورد نظر دولت است، به خصوصی‌سازی تن می‌دهند. در صورتی که والدین خواهان پایان دادن به این تجربه نباشند، شاهد آن خواهیم بود که این تجربه، هم‌چون بشکه‌های نفت در بازار بورس عرضه خواهد شد. [مون بیوت، به نقل از سیاحت غرب، ش ۳۶: ۳۴-۳۶].

نیل پستمن^۳، محقق شهیر آمریکایی نیز معتقد بود: «مشکلی که من در نظام آموزشی کنونی مشاهده می‌کنم، نبود خدای تعالی است. اکنون، تنها هدف حضور در مدارس، به دست آوردن شغل بهتر است.» [پستمن، به نقل از سیاحت غرب، ش ۴۸: ۱۲].

نظراتی از این قبیل، گویای آن است

دقیقه بر یک موضوع تمرکز کنند... امروزه مدارس ما، روز به روز شباهت بیشتری به زندان پیدا می‌کنند... برخلاف آنچه ادعا می‌شود، مدارس کنونی حتی از تربیت نیروهای مورد نیاز صنایع ما نیز ناتوانند. به علاوه، در این نظام آموزشی، دانش‌آموزان تعلیمات اندکی در مورد تفکر، کار و عشق دریافت می‌دارند. حتی باید گفت، آن‌چه فرزندان، یاد می‌گیرند، متضاد با این مفاهیم است. هم‌چنین امروزه مدارس و دانش‌آموزان ما تا بیشترین حد ممکن از واقعیت‌های زندگی دور شده‌اند و هیچ‌گونه تجربه و توانایی خاصی به آن‌ها آموخته نمی‌شود» [می‌یر، به نقل از: سیاحت‌نامه، ش ۴۵: ۸-۵].

جرج مون بیوت^۲، نویسنده و روزنامه‌نگار انگلیسی، موضوع نظام آموزشی را از زاویه‌ای دیگر، یعنی خصوصی‌سازی و ورود شرکت‌های خصوصی به این عرصه، بررسی کرده است: «... چند سال پیش، تونی بلر در جمع انجمن قدرتمند کارخانه‌داران اروپا، اقتصاد دانش را به مثابه نیروی محرکه‌ی رشد و توسعه‌ی آینده‌ی بریتانیا برشمرد... در چنین چشم‌اندازی است که فرزندانمان به مثابه مدل‌هایی هستند که دولت در پی آزمایش سیاست‌های آینده‌ی صادراتی خود روی آنان است. شرکت‌ها، آزمایش‌های لازم را روی آن‌ها انجام

در آن دانشی را جویا باشد، خدا او را به بهشت برد. به راستی فرشته‌ها برای طالب علم پره‌های خود را فرو نهند، به نشانه‌ی رضایت او و این محقق است که برای طالب علم، هر که در آسمان و زمین است، آموزش خواهد تا برسد به ماهیان دریا» [همان، ص ۹۶].

و یا امام صادق (ع) فرمودند: «هر که دانش آموزد و به کار بندد و آن را برای خدای تعالی تعلیم دهد، در ملکوت آسمان‌ها بزرگش خوانند و گویند برای خدا یاد گرفت و برای خدا عمل کرد و برای خدا تعلیم داد» [همان، ص ۹۹].

و بالاخره، مدیران و تصمیم‌گیران کشور بدانند که این فضایل برای طلب علم، برای هر نوع انتقال اطلاعاتی نیست؛ برای اطلاعاتی است که راه سعادت و کمال را به انسان نشان دهد و او را به عنصری مفید برای جامعه تبدیل کند.

به عنوان نمونه، حضرت علی (ع) در وصیت به فرزندشان، امام حسن (ع)، غیر مستقیم به آیندگان پیام دادند که اولویت اول شما در آموزش باید چه باشد: «... و از آن‌جا که هم چون پدری دلسوز

در کار تو توجه کردم، تصمیمی بر ادب آموختنت گرفتم و این در زمانی باشد که تو در آغاز زندگی هستی و روزگار به تو روی آورده و صاحب نیتی پاک و جانی پاکیزه‌ای و آن را با آموزش کتاب خدا-

عز و جل- و تأویل آن و شرایع اسلام و احکام آن و حلال و حرامش آغاز کنم و به غیر آن نپردازم. سپس ترسیدم، هوس‌ها و عقایدی که مردم در آن اختلاف دارند، بر تو مشتبه گردد؛ همان‌طور که بر آنان مشتبه گردید. پس با این که آگاه ساختنت را از آن ناخوشایند می‌داشتم، دوست‌تر دارم که استوار ساختن آن را از رها کردن تو به کاری

که از آن به هلاکت رسیدن وجود دارد تورا ایمن نمایم،» [نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۳۱: ۲۹۹-۲۹۸].

محیط بیرون مدرسه نیز باید به شکل مستقیم و غیرمستقیم همین پیام‌ها را به آحاد جامعه و به‌ویژه جوانان بدهد. اما متأسفانه مشاهده می‌کنیم، آموزش و پرورش کشور بر محور آموزش شغل نظام گرفته است و آموزش زندگی در آن حاشیه‌ای است. اگر آموزش احکام و عقاید در مدارس ما وجود دارد، اما التزام و باور داشت آن به اندازه‌ی کافی وجود ندارد و این شاهد بزرگی بر نامهندسی نظام آموزش و پرورش کشور از دوره‌ی ابتدایی تا سطوح عالی است.

۲-۲. مهندسی فرهنگی روابط جنسی
از دیگر موضوعاتی که در دنیای معاصر به شکل چشم‌گیری مطرح است، عریانی در روابط جنسی زن و مرد است که از آن به عنوان «سکس» یاد می‌شود؛ پدیده‌ای که روزه‌روز ابعاد تازه و وخیم‌تری به خود می‌گیرد و ناشی از گم شدن هدف اصلی در زندگی انسانی، فراموش شدن مفهوم زندگی انسانی و نگاه غلط دو جنس مخالف به یکدیگر است. تصحیح این نگاه جز با تبعیت از دین اتفاق نمی‌افتد.

توماس مور^۴، نویسنده‌ی کتاب پرمخاطب «از روح خود مواظبت کنید»، در کتاب دیگر خود به نام «روح سکس» می‌نویسد: «متأسفانه همراه با جست‌وجوی مطالب در اینترنت، با انبوهی از تصاویر مستهجن روبه‌رو می‌شوم. چرا که در فضایی خارج از کنترل‌های مرسوم دولتی و سلطه‌ی فلسفه‌ی پیورتیین، افراد قادرند به نمایش

اندام‌های خویش و سایر اعمال مخفیانه دست بزنند. در این تصاویر هیچ عشقی مشاهده نمی‌شود و عاطفه و احساسات اندکی در میان است. در آن‌ها از واقعیت‌های جهان امروز خبری نیست... بی‌تردید رودر روی ما، جهانی فارغ از احساسات انسانی با انبوهی از ماشین‌ها، بزرگ‌راه‌ها و ساختمان‌هاست که با جدا کردن سکس از زندگی معمولی، از احساسات و عواطف هم به دور است... روی آوردن گسترده‌ی موجود به فیلم‌ها و عکس‌های پورنوگرافی، پرده از چه حقایقی برمی‌گیرد؟ من معتقدم بهره‌گیری از این محصولات، به منزله‌ی شکست عاطفی در زندگی فردی و ازدواج خصوصی افراد است. بدین ترتیب نمی‌توان این اعتیاد را یک تفریح و سرگرمی دانست. در این دنیای خاکستری و سرد، ما از دوستی، هیجان و معاشرت‌های دوستانه محرومیم. لذا با فراموش کردن مسئولیت‌هایمان، تعهدات خانوادگی خویش و در پاره‌ای از موارد زندگی انسانی خود، چندان ساعتی را به لذت شهوانی این محصولات، دل خوش می‌کنیم... به خاطر داشته باشید، هرگاه بدن‌های خود را به جای مغزمان به کار بگیریم؛ به جای دوستی از یکدیگر بیشتر دور شویم، و به جای عکس‌العمل‌های عقلایی بر مبنای احساسات خویش تصمیم بگیریم، مطمئناً به جای سرگرمی‌های سازنده، به مبتذل‌ترین تفریحات تن خواهیم داد؛ اتفاقاتی که همه‌روزه در اطراف ما روی می‌دهد» [مور، به نقل از: سیاحت غرب، ش ۵۵: ۴۰-۳۸].

ارتباط سالم جنسی با جنس مخالف در چارچوبی که دین اسلام تعریف کرده و نیاز طبیعی و فطری انسان است، باعث



را به سطل زباله تبدیل کرده ایم و مانند یک غریق، در دریایی از اطلاعات غوطه ور هستیم و حتی یک تکه چوب در اختیار نداریم تا خود را از این مهلکه برهانیم.

او در ریشه یابی مشکل می گوید: «به نظر من مشکل، گم کردن معناست. مردم نمی دانند با این حجم وسیع اطلاعات چه کنند. آن ها قاعده و اصولی در اختیار ندارند؛ چیزی که مایلیم آن را فراروایت بنامم.»

و یا در فرراز دیگری می گوید: «نتیجه ی کاهش اقتدار در نظام مذهبی، احزاب سیاسی، نظام آموزشی و خانواده ها به وجود آمدن مردمی فاقد سیستم دفاعی در برابر اطلاعات خواهد بود. در این مورد تشبیهی را به کار برده ام که بعضی احساس بدی نسبت به آن پیدا کردند، اما امیدوارم برای شما چنین حالتی پیش نیاید. ما در این موارد از نوعی ایدز فرهنگی رنج می بریم. ایدز اختلال در سیستم دفاعی بدن است... اگر سیستم دفاعی دچار مشکل شود، دیگر قادر به تخریب سلول های ناخواسته نیست و در نتیجه دچار سرطان می شویم.»

سپس نظر اصولی خود را درباره ی فناوری این گونه متذکر می شود: «با این که فناوری در مورد افزایش اختیارات مردم است، ولی غالباً این گونه نیست. نه تنها اختیارات مردم را کاهش می دهد، بلکه باعث به وجود آمدن خطا در انتخاب نیز می شود.»

در فرهنگ اسلامی، هدر دادن عمر، گم گشتگی و کم خردی نکوهیده است. در عین این که بر دانش اندوزی بسیار تأکید شده است، اما آن را در مسیر و جهت معینی هدایت کرده اند. برای نمونه، به روایات کوتاهی از حضرت علی (ع) توجه

اجتماعی قلمداد می شوند؛ موضوعاتی هم چون: جمعیت، اعتیاد، بهداشت و درمان، و مفساد اجتماعی در این دسته جای می گیرند. فرهنگ اجتماع، یعنی پذیرش ها یا ارتکازات هنجاریافته ای که نسبت به این گونه موارد شکل می گیرد.

۱-۳. مهندسی فرهنگی جریان اطلاعات

یکی از موضوعات مهم اجتماعی، ارتباطات است که بخش مهم آن از طریق رسانه ها شکل می گیرد. از گسترده ترین رسانه ها، شبکه های اطلاع رسانی هستند. این شبکه ها تا آن اندازه اثرگذار شده اند که عصر کنونی را «عصر اطلاعات» نامیده اند. شبکه های اطلاع رسانی بی شک آثار مثبت شایان توجهی را در حجم و سرعت دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، در اختیار بشر قرار داده اند، اما در کنار این امر آثار زیان باری نیز در پی داشته اند.

نیل پستمن، نویسنده و محقق نامدار آمریکایی، ۴۲ سال عضو هیئت علمی دانشگاه نیویورک بود و تا سال ۲۰۰۲، ریاست بخش فرهنگ و ارتباطات را برعهده داشت. ۲۰ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله از او منتشر شده است. وی در سال ۲۰۰۳ در سن ۷۲ سالگی درگذشت. در سال ۱۹۹۵، در نشست تحت عنوان «عصر اطلاعات: موهبت یا مصیبت» می گوید: «با اضافه شدن چند اختراع دیگر (به اختراعات قرن نوزدهم) در نیمه ی اول قرن بیستم، مشکل اساسی یعنی «کمبود اطلاعات» به یکباره از میان رفت. اما با این کار مشکل جدیدی را به وجود آورد که هرگز پیش از این وجود نداشت. عرضی بیش از حد، گسیخته و نامفهوم اطلاعات... ما اطلاعات را به زباله و خود

بقای نسل، کمال شخصیت زن و مرد، پیوند عاطفی میان آن ها و اعضای خانواده، و رعایت بهداشت روانی در روابط اجتماعی می شود. خدای متعال در آیه ی شریفه ی قرآن در بیان فلسفه ی ازدواج می فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمةً ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» [روم/۲۱]: برای شما از خود شما همسرانی آفرید تا در کنار آن ها به آرامش دست یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. به درستی که در این امر نشانه هایی برای مردمی است که می اندیشند.

بنابراین بنا به آموزه های اسلام، اگر روابط زن و مرد باعث ابتدال، سقوط انسانیت انسان، جایگزینی لذات لحظه ای با لذات ماندگار، خودنمایی و خودفروشی شود، حاصل آن در عدم سکون یا اضطراب انسان تجلی می یابد. در این صورت، انسان از توازن در رفتار خارج می شود. و برعکس، با پذیرش تعالیم دین به سکون، تعادل و آرامش می رسد و این یعنی «مهندسی شدن فرهنگ». در ادامه ی آیه می فرماید: بین شما دوستی و رحمت قرار داد. اگر شهوت رانی لحظه ای مقصود باشد، دوستی و رحمتی شکل نمی گیرد و آثار زیان بار آن نه فقط در ارتباط جنسی، بلکه در کل روابط انسانی امتداد می یابد.

۳ تأثیر آموزه های دینی در مهندسی فرهنگ اجتماع

اموری که مشخصاً زیرمجموعه ی سیاست، فرهنگ و یا اقتصاد نیستند، اما هم در متن جامعه واقعیت دارند و هم دارای پیامدهای چندجانبه هستند، امور



در فرهنگ اسلامی، هدر دادن عمر، گم گشتگی و کم خردی نکوهیده است. در عین این که بر دانش اندوزی بسیار تأکید شده است، اما آن را در مسیر و جهت معینی هدایت کرده اند

فرمایید. ایشان فرمودند: «ای کمیل، دانش بهتر از مال است. زیرا دانش نگاهبان توست، اما مال را تو نگاهبانی. مال با بخشش کم می شود، اما دانش به بخشش می افزاید و پرورده ی مال، با نابودی آن می میرد.»

سپس ادامه دادند: «یا کمیل معرفة العلم دین یدان به. به یکسب الانسان الطاعة فی حیاته و جمیل الاحدوثة بعد وفاقه و العلم حاکم و المال محکوم علیه»: ای کمیل، آشنایی با علم و دانش، دین است و انسان به دانش در زندگانی اطاعت و بندگی آموزد و پس از مرگ نام نیک اندوزد. دانش فرمان گذار است و مال فرمان بر» [نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷: ۳۸۷].

بنابراین در مواجهه با حجم انبوه اطلاعات، به تعبیر نیل پستمن انسان به یک «فراروایت» احتیاج دارد، آن فراروایت را حضرت امیر(ع) در عبارت فوق معرفی کرده اند؛ این که: «یکسب الانسان الطاعة فی حیاته». یعنی انسان را به اطاعت و بندگی خدا رهنمون کند. (این که آیا این قاعده در حجم متنوع اطلاعات چگونه قابل جریان است، مطلبی است که باید جداگانه بدان پرداخت.)

در حکمت دیگری از نهج البلاغه می فرمایند: «لیست الرویة کالمعاینه مع الابصار. فقد تکذب العیون اهلها ولا یغش العقل من استنصحه»: اندیشیدن مانند دیدن نیست. زیرا گاهی چشم به صاحب خود دروغ می گوید، اما خرد، با آن کس که او را جوید و نصیحت خواهد، خیانت نمی کند [نهج البلاغه، حکمت ۲۸۱: ۴۱۳].

مورد رؤیت متفاوت است، اما یکی از مصادیق آن دیدن اطلاعات است. یعنی

حتی در دیدن آن ها باید با خرد نگریت. خردی که در دامن فرهنگ مذهب رشد کرده باشد، قدرت گزینش صحیح پیدا می کند و از سرگشتگی اطلاعاتی رهایی می یابد. سیستم دفاعی او درست و به موقع عمل می کند.

۳-۲. مهندسی فرهنگی منزلت خانواده از دیگر موضوعات مهم اجتماعی، موقعیت و جایگاه خانواده است. تضعیف نهاد خانواده، کم شدن پیوند عاطفی و فکری بین اعضای خانواده، پر شدن این خلأ توسط نهادها و رساله ها، خلاصه روابطی که توان رفع این کمبود را ندارند، از نقاط چالش برانگیز تمدن غرب است و حجم زیادی از اعتراضات را در درون و بیرون جامعه غرب باعث شده است. از مهم ترین عوامل ایجاد این رخداد منفی و بنیان کن، جابه جایی جایگاه زن و به تبع آن، به حاشیه رفتن نقش مادری در آن جوامع است.

خانم جسیکا اندرسون^۵ که پزشک زنان است، در مقاله ای می نویسد، وارد شدن زنان به بازار کار باعث شد تا شمار زیادی از آن ها از ارزش و فضیلت پذیرش نقش مادر بودن غافل شوند. سپس ادامه می دهد: «حقیقت این است که تردستی دارا بودن یک شغل طاقت فرسا و زندگی خانوادگی، هلاکت کننده است.

۶۰ درصد مادران شاغل در آمریکا گزارش داده اند که استرس و فشار روحی، بحرانی ترین و خطرناک ترین مسئله ای است که با آن روبه رو هستند» [اندرسون، به نقل از سیاحت غرب، ش ۳۳: ۵۳].

دبورامی یر نیز در فرازی از سخن رانی خود که بخش هایی از آن در همین مقاله ارائه شد، به این مشکل تصریح دارد: «با تضعیف نقش خانواده در جامعه ی آمریکا، روابط اجتماعی افراد نیز با گسستگی روبه رو شده است. خانواده در کنار مدارس و رسانه های جمعی ما باید به تقویت روابط اجتماعی کمک کنند. ولی به خاطر داشته باشید که با تضعیف جایگاه خانواده، فرزندان ما همه روزه حدود شش ساعت در مدارس و چهار ساعت نیز به مشاهده ی تلویزیون می پردازند. این وضعیت، در سراسر تاریخ بشریت، بی همتابست» [می یر، به نقل از: سیاحت غرب، ش ۴۵: ۶].

درباره ی الگوی حضور زن در جهان معاصر، در مقاله ای با همین عنوان، نظرات متفاوتی بررسی و نظریه ای نیز مطرح شده است. در آن جا اثبات کردیم، نظریه ای که نقش زن را فقط در خانه تعریف می کنند، همانند نظریه ای که حضور اجتماعی زن را به قیمت فدا شدن نقش مادری و متلاشی شدن خانواده می خواهد، مردود و غیرمنطقی است

[پیروزمند، بی تا، ج ۱: ۱۴۵-۱۸۹].
 اسلام، مجموعه‌ی تعالیمی در مورد حقوق فرزندان و تربیت فرزند (حتی تا این حد که از حقوق فرزندان است که اسم مناسب برای آن‌ها انتخاب شود) و حقوق والدین (تا این حد که فرزند جلوتر از آن‌ها راه نرود، به آن‌ها احسان کند، حتی به آن‌ها «اف» نگوید. با مهربانی و فروتنی با آن‌ها برخورد کند. «و قضی ربک الا تَعْبُدُوا الا اياه و بالوالدین احساناً اما یُلْغَنَ عِنْدَکَ الْکِبَرُ اِحْدَهُمَا او کلاهما فلا تَقُلْ لهُمَا اَفٍ و لا تَنْهَرْهُمَا و قل لهما قولاً کریماً

۴-۱. مهندس فرهنگی مبارزه با تروریسم
 از جمله مصادیق این مسئله، نگاه غلط حاکم بر قدرت‌های مستبد، در فروش تسلیحات نظامی است. تروریسم پدیده‌ی هنجارشکنی است که انسان‌های بی‌گناه را به کام مرگ می‌کشد. در واقع، از ضعف فرهنگی ناشی می‌شود، چرا که هیچ عقل سلیمی تصدیق نمی‌کند، راه کسب قدرت یا فایز آمدن بر رقیب، حذف فیزیکی اوست. اما زمانی که دولتی، پرچم مبارزه با تروریسم را بلند می‌کند و حتی برای این امر، به پرداخت هزینه‌ی گزاف و تبلیغات پرچم دست می‌زند، اما در عمل تروریسم دولتی را نهادینه می‌کند، ترس کاذبی را بر جهان مستولی می‌سازد، و با فروش تسلیحات نظامی به این مسئله دامن می‌زند، نشان از مهندسی نشدن رفتار سیاسی دارد.

تمایلات ضدونقیض در وجود فرد و جاذبه‌های ضدونقیض در جامعه باعث می‌شود، تعادل محیط خانواده برهم‌ریزد، مرد پرخاشگر و زن نافرمان شود، و فرزند الگوی کاذبی در بیرون محیط خانواده برای خود برگزیند

حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، با شکل‌گیری نوعی نظامی‌گری همراه بود و تحت تأثیر آن، میزان خرید و فروش تسلیحات و تجهیزات جنگی رشد خیره‌کننده‌ای داشته است. لسللی واین^۶، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی و همکار نشریه‌ی «نیویورک تایمز» می‌نویسد: «عقد قرارداد به میزان ۲۱ میلیارد، از سپتامبر ۲۰۰۵ تا سپتامبر ۲۰۰۶، ۱۰/۶ میلیارد دلار در سال پیش از آن، آماری است که از سوی پنتاگون منتشر شده است. هم‌چنین، حجم قراردادهای نظامی آمریکا از سال ۲۰۰۱ به بعد به ۱۰ تا ۱۳ میلیارد دلار رسیده است... اساساً هنگامی که کشوری تجهیزات جدیدی می‌خرد، سالیان سال می‌باید بابت بهینه‌سازی و تعمیرات و نگه‌داری آن هزینه کند. این گونه خریدها سبب می‌شوند، صنایع نظامی در معرض

ریختگی فرهنگی در جامعه دارد. متقابلاً، به هر میزان تحت جاذبه‌ی فرهنگ غنی اسلام عمل شود، هندسه‌ی صحیحی در روابط ایجاد می‌شود و آرامش و کمال فرد و خانواده و جامعه را به ارمغان می‌آورد.

۶ تأثیر آموزه‌های دینی در مهندسی فرهنگ سیاست

سیاست اجمالاً به مسائل کسب، حفظ و ارتقای قدرت مربوط است. لذا مسائل دفاعی، امنیتی، نظامی و حزبی به این بخش مربوط هستند و فرهنگ سیاست، ارتکازات و باورداشت‌هایی است که بر اساس یا در پی این مسائل شکل می‌گیرند.

و احفض لهما جناح الذل من الرحمه و قل رب ارحمهما کما رببانی صغیراً [اسراء/ ۲۳ و ۲۴] دارد.

هم‌چنین، حقوقی برای رابطه‌ی زن و شوهر قائل شده و توصیه‌های دقیقی برای پیوند بین این دو مطرح کرده است. از جمله، در روایت شریف در مورد زنان به مردان می‌فرماید: «المرئیه ریحانه لیست بقهرمانه»: زن مانند گل است، نه همچون قهرمان. پس باید هم‌چون گل از او مراقبت کرد. به زن نیز فرموده است: «جهاد المرئیه حَسَنُ التَّبَعْلِ» «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است» [کافی، ج ۵، باب ۹، ح ۱؛ وسایل الشیعه، ج ۵: ۹، ح ۱].
 مجموعه‌ی این گونه موارد بر روی هم نشان از اهتمام شارع مقدس به حفظ بنیان

خطر ایالات متحده، جانی تازه بگیرند» [واین، ۲۰۰۶، به نقل از: سیاحت غرب، ش ۴۵: ۷۲].

انبیای الهی سرشار از رأفت و رحمت بودند، تا آن جا که پیامبر اسلام به پیامبر رحمت معروف است و همگان را به خیر و نیکی برای دیگران دعوت می کند. اسلام دین منطقی و عقلانیت است و برای اشاعه‌ی خود، نه تنها به خشونت احتیاجی ندارد که آن را مضر می داند. خشونت پراکنان نیز گمان می برند که سود می کنند. آمریکا برای حذف رقبای سیاسی و فرهنگی خود، از راهی وارد می شود که اولین و آخرین ضررکننده خود اوست. اولین ضررکننده است، چون برای مشروعیت بخشی به رفتار خشن خود، باید مردم خود را نیز در اضطراب حمله‌ی تروریست‌ها قرار دهد. و آخر ضررکننده است چون به بی آبرویی و شکست قدرت سیاسی او منجر می شود.

اقدامات آمریکا در نفی تروریسم، به مثابه رفتار فردی است که برای زیان رساندن به دشمن خویش، به خود آسیب می زند. حضرت امیر(ع) در وصف چنین شخصی فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ كَالطَّاعِنِ نَفْسَهُ لِيَقْتُلَ رِدْفَهُ»؛ تو آن کس را مانی که برای کشتن سواری که پشت سر اوست، نیزه از سینه‌ی خویش بگذراند تا سینه‌ی او را بشکافد» [نهج البلاغه، حکمت ۲۹۶: ۴۹۶]. و یا فرمود: «إِنَّ لِلْخَصْمِ قُحْمًا»؛ دشمنی مهلکه‌ها دارد [همان، حکمت ۳: ۴۰۴]. کسانی که در این فرهنگ بزرگ شده‌اند، هیچ‌گاه گسترش دهنده‌ی خشونت غیرموجه نخواهند بود و برای پر شدن جیب خود و به تعبیر بهتر، برای منافع مقطعی خود، دنیا را در التهاب جنگ فرو نمی برند.

عواقب سوء جنگ طلبی‌های آمریکا را برای خودش، بعضی آزاداندیشان آن دیار پیش‌بینی کرده‌اند. کریس هگز^۷، فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد، نویسنده و عضو بخش سیاست خارجی روزنامه‌ی نیویورک تایمز، در مقاله‌ای تحت عنوان «آمریکا در عصر زوال امپراتوری‌ها» می‌نویسد: «امپراتوری‌ها، در حال مرگ و تا آخرین لحظات حیاتشان هم، به قدرت خویش می‌نازند. آنان ضعف‌هایشان را در فراسوی یک ارتش پیش‌رفته از لحاظ تکنیکی و هزینه مخفی می‌کنند» [هگز، به نقل از سیاحت غرب، ش ۵۵: ۵۱ و ۵۴].

در انتهای مقاله نیز چنین می‌نویسد: «ما شاهد خلق دنیایی هستیم که در آن تنها با زبان خشونت سخن گفته می‌شود. ما در دایره‌ی بسته‌ای از جنگ و زد و خورد گرفتار آمده‌ایم که حیات، منافع و آرزوهای ما را به نابودی کشانده است و هم‌اینک باید به صدای در هم شکستن بنیادهای امپراتوری ما، گوش فراداد.»

پیش‌بینی این تحلیلگر شاهد دیگری است مبنی بر این که دوری گزیدن از تعالیم ادیان به ویژه اسلام، باعث رفتارهای دوگانه و ناهنجار می‌شود.

۵- تأثیر آموزه‌های دینی در مهندسی فرهنگ اقتصاد

فرهنگ اقتصاد، بیانگر باورها، ارتکازها و اندیشه‌های حاکم بر بخش اقتصاد جامعه است؛ یعنی بخشی که با درآمد و هزینه‌ی جامعه سروکار دارد.

۱-۵. مهندسی فرهنگی توسعه‌ی اقتصادی

«عدالت» از ارزش‌های جهان‌شمول

است که هیچ بشر عاقلی آن را نفی نمی‌کند، بلکه به دنبال یافتن آن است. «توسعه» نیز از همین قبیل است. گذشته از مباحث پر دامنه و مهمی که در مورد تعریف این دو واژه در مکاتب گوناگون به عمل آمده است، این مقدار می‌توان ادعا کرد که اگر توسعه به بی‌عدالتی بینجامد، قابل دفاع نیست. بعضی مصادیق بی‌عدالتی آن‌چنان بارز هستند که در لابه‌لای اصطلاحات خودساخته‌ی علمی قابل پنهان کردن نیستند. به همین دلیل، کسانی که به اسلام معتقد نیستند نیز، اگر مشاهده کنند که یک درصد جامعه معادل سرمایه‌ی تجاری ۶۲ درصد یک کشور را در دست دارند، داد از بی‌عدالتی می‌زنند.

هولی اسکالر^۸، نویسنده و محقق آمریکایی، در یادداشتی تحت عنوان «اقتصادی که در خدمت اغنیاست» می‌نویسد: «میلیونر بودن پدیده‌ای برای هزاره‌ی قبل بود. انتشار فهرست جدید ۴۰۰ ثروتمند آمریکایی، حکایت از آن دارد که همه‌ی آن‌ها میلیاردر هستند... مجموع سرمایه‌ی این ۴۰۰ نفر به عدد سرسام‌آور ۱/۲۵ تریلیون دلار می‌رسد که این رقم برابر با مجموع ثروت ۵۷ میلیون خانوار آمریکایی است که نیمی از جمعیت ایالات متحده را به خود اختصاص داده‌اند. شرایط نظام اقتصادی آمریکا به نحوی است که زمینه‌ی ثروتمندتر شدن بیش از پیش این گونه ثروتمندان را فراهم می‌سازد و در عین حال، روز به روز عرصه را بر طبقات دیگر جامعه تنگ‌تر می‌کند... امروزه براساس آمار رسمی، اختلاف میزان دریافت حقوق کارگران و مدیران شرکت‌ها، از دهه‌ی ۱۹۷۰ تاکنون، نه برابر افزایش یافته است... هم‌اکنون طبق آمار سال ۲۰۰۴، میزان سرمایه‌ی



یک درصد جامعه ی آمریکا که ثروتمندان این کشور هستند، برابر ۶۲ درصد سرمایه ی تجاری این کشور، ۵۱ درصد سهام بورس و ۷۰ درصد ارزش اوراق گرفته است» [اسکلار، به نقل از سیاحت غرب، ش ۴۱: ۱۱۳-۱۱۲].

این واقعه در تمدن غرب تصادفی نیست، بلکه اثر طبیعی نظام سرمایه سالاری است. لذا بسیاری از نخبگان آن جامعه نیز از انتشار این اخبار رنجیده نمی شوند، چرا که آن را لازمه ی رفاه و پیشرفت می دانند. حتی می کوشند این پیامدها را نیز به نفع محرومین و عادلانه تفسیر کنند. حال آن که در فرهنگ علوی مطلب برخلاف این است؛ آن جا که فرمود: «یا ابن آدم ما کسبتَ فوقَ قوتک فانت فیه خازنٌ لغيرک»: ای فرزند آدم، در آن چه بیش از روزی خود کسب کردی و اندوختی، خزانه دار دیگرانی» [نهج البلاغه، حکمت ۱۹۲: ۳۹۴]. طبیعی است که تحت تعلیم این آموزه ی دینی، انسان برای اندوختن آن چه بیش از نیاز واقعی اوست، حریص نخواهد بود. و یا فرمود: «آن کس که مال بر روی مال اندوخت و آن کس که (کاخ ها) بنا کرد و برافراشت، زینت داد و بیاراست و به گمان خود برای فرزندانش در نظر گرفت، همه ی این افراد به سوی جایگاه رسیدگی و حساب رسی و محل پاداش و عذاب خواهند رفت. آن گاه فرمان قطعی صادر شود و در آن جا تبهکاران زیان برند (و خسر هُنَالک المبتطلون). خرد هرگاه از بند هوا و هوس بیرون جهد و از تعلقات دنیوی واره د، به این امر گواهی خواهد داد» [همان، نامه ی ۳: ۳۷۳].

در این فرهنگ چنین شکاف طبقاتی پسندیده نیست. شعار عدالت دادن و

دفاع از چنین الگوی توسعه ای، نمونه ی این است که فرهنگ اقتصاد جامعه، با فرهنگ فرهنگ آن سازگار نیست. و برعکس، ارائه ی الگوی توسعه ی مبتنی بر عدالت و سایر ارزش ها، نشان از مهندسی فرهنگی جامعه بر مبنای آموزه های اسلام دارد.

اگر توجه کنیم که شرکت های تجاری، بانک داری جهانی و یا «سازمان تجارت جهانی» ساختارهایی هستند که بقای این نظام سلطه ی سرمایه سالار را تضمین می کنند، روشن می شود که پذیرش قوانین این نهادها چه ناهمگونی های فرهنگی را به ارمغان می آورد. جالب است که تبیین این مسئله را باید از نویسندگان و محققان مغرب زمین یاد بگیریم. دیوید کوزن^۹، نویسنده ی کتاب «هنگامی که ابر شرکت ها بر دنیا حکم فرمایی می کنند» و بنیان گذار «بنیاد آینده متعالی»، در مقاله ای می نویسد: «در عصر کنونی و با حاکمیت سرمایه سالاری، مسئولیت گریزی مردم در برابر جامعه و طبیعت افزون تر شده است. سرمایه سالاری، خدای خویش، یعنی بازار را در اختیار دارد... بازار مالی جهانی در سایه ی ابر شرکت های مالی و بانکی، به یک کازینوی غول آسا مبدل شده است که بازیگران اصلی آن، میلیاردرها هستند... نام نابودی خلاقانه برای این وضعیت کاملاً مناسب به نظر می رسد... با خسته شدن مدیران ابر شرکت ها از تغییرات مردم در سطح سیاست مداران کشورها، بازیگران اصلی تصمیم گرفتند که سازمان جدیدی را به نام «سازمان تجارت جهانی» یا «WTO» بنیان نهند. در این سازمان، نمایندگان غیرمنتخب تجاری پای بند به منافع ابر شرکت ها، قواعدی

بین المللی را وضع کرده اند که همه ی کشورهای دنیا را وادار می کنند، امتیازات ویژه و شرایط خاصی را برای عملکرد جهانی ابر شرکت ها، در کشور خویش فراهم آورند.»

او در نهایت نتیجه می گیرد: «نبرد اصلی، بین حامیان ابر شرکت ها و حامیان جنبش های جهانی مخالف جهانی سازی و یا به بیان دیگر، ارزش های مالی در برابر ارزش های انسانی، جریان دارد و این مسئله ی مهم امروز ماست» [کورتن، به نقل از سیاحت غرب، ش ۴۴: ۱۰۷-۱۰۵ و ۱۱۶].

در عبارت اخیر، وی به درستی ریشه مشاجرات اقتصادی را در اختلاف فرهنگی جست و جو نمود و «ارزش های مالی» را در مقابل «ارزش های انسانی» قرار داد.

۲-۵. مهندسی فرهنگی تجارت دارو
آخرین نمونه ای که از فرهنگ مهندسی نشده در غرب می آوریم، موضوع تجارت بیماری در قالب تجارت داروست. علم پزشکی- همانند بسیاری از علوم دیگر- به پیشرفت های شایان توجهی در شناخت و درمان بیماری ها نائل شده است. معمولاً آخرین حلقه ی درمان، داروست. دارو، سلامتی را به ارمغان می آورد، اما تحت سیطره ی فرهنگ غلط اقتصادی، ارمغان سلامتی به شکل نسبتاً شایعی به ارمغان بیماری تبدیل می شود. تبلیغات گسترده ی داروهای جدید سبب شده اند، بسیاری از حالات طبیعی بشر در قالب نوعی بیماری یا اختلال معرفی شوند.

جاناتان ر^{۱۰}، مدیر بخش ارتباطات مؤسسه ی «هشدارهای تجاری» و عضو مؤسسه ی «توماس بای» آمریکا در نوشته ی خود می آورد: «در دنیای امروز،

4. Thomas More
5. Jessica Anderson
6. Leslie Wayne
7. Caris Hedges
8. Holysklar
9. David Kortzen
10. Jonatan Rowe
11. Russdl Mokhiber

۱۲. البته احیا یا زنده داشتن انسان، به زنده داشتن معنوی او نیز اطلاق می شود.

منابع:

۱. پیروزمند، علیرضا. الگو و چشم انداز مطلوب فرهنگی حوزه علمیه (بخش اول: مناسبات دین و فرهنگ). دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۴.
۲. پیروزمند، علیرضا. گفت‌وگوی مهندسی فرهنگی. دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۵.
۳. ارژمند، محمود. تأملی در مفهوم مهندسی فرهنگی (مجموعه مقالات همایش مهندسی فرهنگی -ج ۱). دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی. [بی تا].
۴. نقیب‌زاده، احمد. درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی. سمت. تهران. ۱۳۷۹.
۵. پیروزمند، علیرضا. تعیین الگو و طبقه‌بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی. دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۲.
۶. پیروزمند، علیرضا. نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور [مجموعه مقالات همایش مهندسی فرهنگی -ج ۱]. دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۶.
7. www.smallisbeautiful.org
8. www.monbiot.com
9. www.commondreams.org
10. www.MSMagazine.com
11. www.Cwfa.org
12. www.Smallisbeautiful.org
۱۳. پیروزمند، علیرضا. بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر (مجموعه مقالات هم‌اندیش مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها-ج ۱). دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. ۱۴. واین، لسلی. به نقل از: سیاحت غرب، ش ۴۵، ص ۷۲. نیویورک تایمز. ۱۱ نوامبر ۲۰۰۶.
15. www.Truthdig.com
16. www.commondreams.org
17. www.small isvctutiful.org
18. www.commondreams.org
19. www.common Dreams.org

دین در چهار حوزه‌ی فرهنگی- یعنی فرهنگ فرهنگ، فرهنگ اجتماع، فرهنگ سیاست و فرهنگ اقتصاد- رعایت شوند، با فرهنگ مهندسی شده روبه‌رو خواهیم بود و رفتار ضد و نقیض فرهنگی، لباس ناهمگونی را بر قامت جامعه، نخواهد پوشاند.

از زبان منتقدین غربی مشاهده شد که دوری از ارزش‌های انسانی، تا چه رسد به ارزش‌های مذهبی و اسلامی، چه زبان‌های جبران‌ناپذیری را به بشریت وارد کرده است. بنابراین، راه چاره چیزی نیست جز فهم کامل، نظام‌مند و صحیح دین و ایجاد تدریجی بستر تحقق آن. اما آن‌چه گفته شد، تنها چند نمونه از مسئله بود تا سرنخی باشد برای پی‌جویی موضوع توسط جوانان علاقه‌مند.

برای کامل شدن بررسی، باید در گام دوم ارتباط موضوعات مربوط به هر یک از ابعاد چهارگانه‌ی فرهنگی و در گام سوم، ارتباط و هماهنگی چهار بُعد فرهنگی، از منظر آموزه‌های دینی مطالعه شود. هم‌چنین، به دلیل مواجهه‌ی مستقیم فرهنگ جامعه‌ی ایران با فرهنگ غرب، عواقب منفی و مثبت ذکر شده در تمامی موارد، در جامعه‌ی ما نیز رسوبات دارد. به همین دلیل، انجام تحقیقات میدانی در این زمینه در جامعه‌ی ایران، توسط مراجع فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد؛ گرچه جوانان فهیم این کشور می‌توانند خود این‌گونه بررسی‌ها را پی‌جویی کنند.

زیر نویس:

1. Deborah Meier
2. George Monbiot
3. Neil Postman

سیاست‌مداران با فروش ترور و ترس‌گدازان می‌کنند ولی شرکت‌های داروسازی با فروش بیماری به حیات خود ادامه می‌دهند. به علاوه، امروزه تمامی مراحل زندگی ما به دلیل نگاه آسیب‌شناسانه‌ی کنونی، نیازمند مداخله و درمان دارویی شده و در مجموع، زندگی ما به ظرفی مخوف مملو از بیماری و مشکلات زیستی و شیمیایی تبدیل شده است...» [رو، به نقل از سیاحت غرب، ش ۴۳: ۹۳-۹۲].

دکتر لیزا ام شوارتز، استاد دانشگاه دارتموث در این باره می‌گوید: «ما به صورتی روزافزون، افراد عادی را به افرادی بیمار تبدیل می‌کنیم.»

راسل مخبر^{۱۱}، سردبیر نشریه‌ی «گزارش جرایم ابر شرکت‌ها» در واشنگتن نیز معتقد است: «در این شرکت‌ها (شرکت‌های داروسازی) نه براساس اولویت‌های سلامت مردم که در جهت دستیابی به سود بیشتر در این بازار بالقوه می‌کوشند. پس ما با دو موضوع کاملاً متفاوت روبه‌رو هستیم. برای مثال، صنعت داروسازی تمایلی ندارد که در حوزه‌ی بیماری‌های شایع در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری کند» [مخبر، به نقل از سیاحت غرب، ش ۵۷: ۱۱۳].

به هر حال، مثال فوق نیز نمونه‌ای از تقابل ارزش‌های انسانی و ارزش‌های مالی، یا پول‌پرستی و انسان‌دوستی است. در فرهنگ اسلام که نجات یک انسان با نجات کل انسان‌ها معادل قرار داده شده است (مَنْ أَحْيَا نَفْسًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا)^{۱۲}، به هیچ روی این‌گونه رویه‌های نابودکننده پذیرفته نیستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنا بر آن‌چه ذکر شد، اگر آموزه‌های